



با یکدیگر نداشته‌اند و پرستار قلبی با طمع سرقت پول و طلاهای پیرزن دست به جنایت زده است. با افشای حقیقت سعید به بازسازی صحنه جرم پرداخت و پرونده اش با صدور کفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا به زودی به جرم وی رسیدگی شود. این در حالی است که اولیای دم برای وی حکم قصاص خواسته‌اند.

ار اگر قسم و به پیرزن ثروتمند فروختم. قرار بود او مبلغ ۶ میلیارد تومان به من بدهد. اما او پولم را نمی‌داد. به همین خاطر آخرین بار با هم درگیر شدیم و من او را خفه کردم و ماشین و طلاهایش را دزدیدم. من در ازای دادن طلاهای خاله‌ام به پیرزن از او سفته گرفت بودم. این ادعا در حالی مطرح شد که با تحقیقات پلیسی مشخص شد سعید پس از قتل از قربانی اثر انگشت گرفته و آنها هیچ مرادده مالی

پرستار سنگدل پس از قتل فجیع پیرزن پسر معلولش را در اتاق زندانی کرد؛

کشف جسد در کمد دیواری!

دنبال او گشتم و یارم خونی که از کمد دیواری به بیرون جاری شده بود رویه رو شدم. من وقتی در کمد را باز کردم متوجه جسد مادر شوهرم شدم که زیر رختخواب‌ها پنهان شده بود شدم. با این تماس ماموران به خانه ولایی در کوی فراز رفتند و جسد زن سالخورده که شواهد نشان می‌داد چند روز از مرگش گذشته در کمد دیواری رویه رو شدند که دست و دهانش با شال بسته شده بود. جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و ماموران به بررسی پرداختند.

ردیابی پرستار مرز بعد از ۲ سال

شواهد نشان می‌داد هم‌زمان با این جنایت پرستار پسر قربانی که مردی جوان به نام سعید بود نیز به طرز مرموزی ناپدید شده است. ماموران به ردیابی وی پرداختند و در ادامه تحقیقات فهمیدند وی طلاها و خودرو هیوندای قربانی را نیز سرقت کرده و به محل نامعلومی گریخته است. با گذشت نزدیک به ۲ سال از این جنایت ماموران دریافتند سعید که مخفیانه از کشور خارج شده بود به ایران بازگشته است و وی را در عملیاتی ویژه ردیابی و بازداشت کردند. سعید سعی داشت با دروغ‌گویی هایش پلیس را گمراه کند.

گروه حوادث - پرستار قلبی که زن سالخورده را قربانی سرقت طلا و خودرواش کرده و جسد وی را در کمد دیواری مخفی کرده بود در حالی در دادگاه کیفری تهران محاکمه می‌شود که اولیای دم برای وی حکم قصاص خواسته‌اند. پرستار جنایتکار پسر قربانی را که از معلولیت جسمی رنج می‌برد در اتاق خواب حبس و سپس نقش سیاهش را عملی کرده بود. رسیدگی به این پرونده از آذر ماه سال ۱۴۰۰ آغاز شد. زن جوانی با پلیس تماس گرفت و از جنایت فجیعی که در خانه مادر شوهرش رخ داده بود خبر داد.

این زن به ماموران گفت: همسرم سالهاست از معلولیت جسمی رنج می‌برد. من و دخترم نمی‌توانستیم از او نگهداری کنیم. به همین خاطر او به خانه مادرش در سعادت آباد رفت و با مادرش در خانه ولایی زندگی می‌کرد. مادر شوهرم برای همسرم پسرستار گرفته بود تا کارهایش را انجام دهد و من و دخترم آخر هفته‌ها به آنجا می‌رفتم. به همسر و مادر شوهرم سر می‌زدیم. امروز وقتی به آنجا رفتم با صحنه وحشتناکی رویه رو شدیم. همسر چند روز بود که در یک اتاق حبس شده بود و هیچ خبری از مادر شوهرم نبود. من همه جا را

سارق حرفه‌ای نقش نظافتچی را بازی می‌کرد!



این موضوع را ثابت کرده و از من شکایت کند. **خانواده‌ات از دستگیر شدنت خبر دارند؟** خیر. موقع دستگیری شماره یکی از اعضای خانواده‌ام را خواستند که **خب زمانی که غیبت طولانی شود و به خانه نروی، حتما دنبال می‌گردند و به پلیس اطلاع می‌دهند.** **بله اما امیدوارم خدا کمک کند و کسی متوجه این موضوع نشود.** **حرفی داری؟** نه، چه حرفی می‌ماند برای گفتن. خلافتکار باید مجازات شود و من هم خلافتکارم. اولین بار که دستگیر شدم، موضوع را جدی نگرفتم و برایم درس عبرت نشد و این بار باید منتظر مجازات خلافت باشم اما واقعا به خودم قول داده‌ام که محض آزادی هوشم را جای بهتری به کار گرفته و از آن استفاده بهتر و مفیدتری بکنم. از خدا می‌خواهم کمک کند تا بتوانم درست زندگی کنم.

زمان مناسب وارد ساختمان‌هایی که دوربین نداشتند، شده و لوازم اشیای باارزش مانند کفش‌های گران و وسایل داخل ماشین‌هایی را که روی دزدگیر نداشتند، سرقت می‌کردم و دیگر به آن ساختمان نمی‌رفتم. و جای دیگر مشغول به کار می‌شدم. گاهی اگر در خانه‌ای باز بود یا صاحبخانه کلید را روی در جا می‌گذاشت، سراغ وسایل داخل خانه می‌رفتم. البته وسایلی را برمی‌داشتم که حملش راحت باشد و کسی به من شک نکند.

***چاهایی که کار می‌کردی از تو مدرک شناسایی نمی‌خواستند؟** نه فقط تلفتم را داشتند که بعد از سرقت خطم را عوض می‌کردم. ***این کار را از کجا یاد گرفته بودی؟** از اینترنت یاد گرفتم.

***چطور دستگیر شدی؟** قبلاً در ساختمانی کار می‌کردم که مدیر بسیار بداخلاق و سختگیری داشت که از خوشم نمی‌آمد. خیلی سعی می‌کردم کارم ایراد بگیرد و بهانه‌ای برای بیرون کردن من به دست آورد اما چون کارم خوب بود، نمی‌توانست کاری بکند. روزی که از آن ساختمان دزدی کردم، ماشین خودم و پسرش را خالی کردم و کمی دل خنک شدم. یک روز در خیابان با او روبرو شدم. خواستم از کنارش به سرعت رد شوم که یقه‌ام را گرفت و با هم درگیر شدیم. ابتدا خودم را به آن کوه زدم و به روی خودم نیامردم که او را می‌شناسم اما او مرا شناخته بود. داشتم از دستش فرار می‌کردم که او مردم کمک خواست و گیر افتاده و مرا دست پلیس داد و از من شکایت کرد.

***چرا خوشبختانه مجرمدم؟** یک نفر دیگر را درگیر مشکلات و بدبختی ام نکردم. ***سابقه‌داری؟** بله یک بار دیگر هم دستگیر شدم و چون اولین بارم بود با تعهد آزاد شدم. ***کمی از خانواده‌ات بگو.**

من با پدر، مادر و دو خواهرم زندگی می‌کنم. پدرم حقوق بازنشستگی کمی می‌گیرد که کفاف سیگاری‌راهم که می‌کنش، نمی‌دهد. مادر هم با کمک خواهرانم با تهیه ترشی و سبزی در خرج خانه کمک می‌کنند. در این دوره و زمانه با این پول‌ها نمی‌توان گذران کرد و به همین دلیل خیلی زود مشغول به کار شدم اما حقیقتاً با درآمد من هم زندگی مان به سختی می‌چرخید تا این که کم‌کم به فکر سرقت و درآمد دوم افتادم. درآمدم بد نبود اما واقعا به دردمش نمی‌ارزد.

***نحوه سرقت بگو.** من به عنوان نظافتچی در ساختمان‌ها مشغول کار می‌شدم و ریموت در رابه بهانه‌ای می‌گرفتم و روی ریموت خودم کپی می‌کردم و در

گروه حوادث - با هوشی که دارد، اگر درس می‌خواند، حتما کارهای می‌شد اما متأسفانه به قول خودش به دلیل شرایطی که داشته، نتوانسته درس بخواند و مجبور شده به کسب درآمد فکر کند و وقتی در این مسیر هم شکست خورده، به دزدی و خلاف کشیده شده است. این متهم از زندگی‌اش گفته است.

***خودت را معرفی کن.** سنی‌ام ۲۶ ساله هستم.

***چقدر درس خوانده‌ای؟** دیپلم دارم. درس بد نبود اما نتوانستم ادامه بدهم و باید کار می‌کردم.

***از دواج کرده‌ای؟** خیر خوشبختانه مجرمدم.

***چرا خوشبختانه مجرمدم؟** یک نفر دیگر را درگیر مشکلات و بدبختی ام نکردم.

***سابقه‌داری؟** بله یک بار دیگر هم دستگیر شدم و چون اولین بارم بود با تعهد آزاد شدم.

من با پدر، مادر و دو خواهرم زندگی می‌کنم. پدرم حقوق بازنشستگی کمی می‌گیرد که کفاف سیگاری‌راهم که می‌کنش، نمی‌دهد. مادر هم با کمک خواهرانم با تهیه ترشی و سبزی در خرج خانه کمک می‌کنند. در این دوره و زمانه با این پول‌ها نمی‌توان گذران کرد و به همین دلیل خیلی زود مشغول به کار شدم اما حقیقتاً با درآمد من هم زندگی مان به سختی می‌چرخید تا این که کم‌کم به فکر سرقت و درآمد دوم افتادم. درآمدم بد نبود اما واقعا به دردمش نمی‌ارزد.

***نحوه سرقت بگو.** من به عنوان نظافتچی در ساختمان‌ها مشغول کار می‌شدم و ریموت در رابه بهانه‌ای می‌گرفتم و روی ریموت خودم کپی می‌کردم و در

کینه قدیمی با جناب زندگی امرانابود کرد!

گروه حوادث - وقتی به خاطر دخالت‌های باجنابم در زندگی از همسرم طلاق گرفتم، دچار افسردگی شدم و به مصرف مواد مخدر روی آوردم ولی خیلی زود به خودم آمدم و خلافکاری را کنار گذاشتم. در این شرایط بود که فهمیدم یکی از مغازه‌داران محلی به لوازم تعمیر گاهم دستبرد می‌زند. من هم برای انتقام از او دست به سرقت اموالش زدم ...

جوان ۳۸ ساله‌ای که به اتهام دستبرد به اموال یک مغازه‌دستگیر شده است، در باره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلاتری معراج مشهید گفت: پدرم که آرام‌تر و مودت‌گرا اجتماعی بود یک سال قبل بر اثر بیماری سرطان فوت کرد اما از همان دوران کودکی کسه به خاطر دارم پدرم نیز برای تامین هزینه‌های زندگی در منازل مردم کارگری می‌کرد تا همه خواهر و برادرانم سرو سامان بگیرند. در حالی که برادرانم بیشتر به حرفه پدرم روی آورده بودند من به شغل مکانیکی علاقه داشتم و به همین دلیل هم رشته مکانیک را در دبیرستان ادامه دادم و به استاد کار ماهری تبدیل شدم. خلاصه در یکی از همین روزها بود که به دختر یکی از بستگانم دل باختم و با او ازدواج کردم اما متأسفانه به خاطر دخالت‌های باجنابم، اختلافات زیادی در دوران نامزدی بین من و همسرم به وجود آمد چرا که پدر زلم فوت کرده بود و باجنابم امور زندگی آن‌ها را در دست داشت.

از سوی دیگر هم باجنابم قبلاً خواستگار خواهر من بود اما به خاطر اعتیادش به او پاسخ منفی دادیم. همین موضوع به کینه‌ای عمیق تبدیل شد که حالا قصد انتقام از مرا داشت.

بالاخره این اختلافات با همسر ۱۷ ساله‌ام به جایی رسید که در نهایت به جدایی انجامید و من و «نیوشا» از یکدیگر طلاق گرفتیم. در این شرایط بود که دچار افسردگی شدید شدم و

بر اثر همنشین با دوستان معتادی که اطرافم را گرفته بودند به مصرف سیگار و مواد مخدر روی آوردم. چند سال بعد از این ماجرا و با اصرارهای مدامم بالاخره بازن مطلقه‌ای از دواج کردم که بسیار مهربان بود و موجب شد تا مصرف مواد را کنار بگذارم و هم‌اکنون نیز در انتظار تولد فرزندم هستم اما ماجرای سرقت از آن جا شروع شد که من بعد از ترک اعتیاد تعمیرگاهی را در یکی از مجتمع‌های تعمیر خودرو اجاره کردم و به حرفه مکانیکی مشغول شدم.

درآمدم بسیار خوب بود و روزهای شیرینی را می‌گذراندم تا این که یکی از دستگاه‌های تعمیر خودرو از مغازه‌ام سرقت شد. من هم به یکی از همسایگانم مشکوک شدم که او نیز در همان مجتمع تعمیرگاه دیگری داشت ولی چون با هم ارتباط کاری داشتیم نتوانستم موضوع را برایش بازگو کنم اما وقتی دوبار دیگر این سرقت‌ها تکرار شد دیگر به یقین رسیدم که کار را در تعمیرگاهم دستبرد می‌زند. او تقریباً هم سن و سال

مخدر روی آوردم ولی خیلی زود به خودم آمدم و خلافکاری را کنار گذاشتم. در این شرایط بود که فهمیدم یکی از مغازه‌داران محلی به لوازم تعمیر گاهم دستبرد می‌زند. من هم برای انتقام از او دست به سرقت اموالش زدم ... جوان ۳۸ ساله‌ای که به اتهام دستبرد به اموال یک مغازه‌دستگیر شده است، در باره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلاتری معراج مشهید گفت: پدرم که آرام‌تر و مودت‌گرا اجتماعی بود یک سال قبل بر اثر بیماری سرطان فوت کرد اما از همان دوران کودکی کسه به خاطر دارم پدرم نیز برای تامین هزینه‌های زندگی در منازل مردم کارگری می‌کرد تا همه خواهر و برادرانم سرو سامان بگیرند. در حالی که برادرانم بیشتر به حرفه پدرم روی آورده بودند من به شغل مکانیکی علاقه داشتم و به همین دلیل هم رشته مکانیک را در دبیرستان ادامه دادم و به استاد کار ماهری تبدیل شدم. خلاصه در یکی از همین روزها بود که به دختر یکی از بستگانم دل باختم و با او ازدواج کردم اما متأسفانه به خاطر دخالت‌های باجنابم، اختلافات زیادی در دوران نامزدی بین من و همسرم به وجود آمد چرا که پدر زلم فوت کرده بود و باجنابم امور زندگی آن‌ها را در دست داشت.

نیازمندی‌های روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیازمندی‌ها

اصل سند خودروی اسپورتیج ۲۰۱۸ به رنگ سفید و شماره پلاک ۲۴۹۸۲ و شماره موتور ۹۰۰۵۸۷ و شماره شاسی ۳۲۰۰۵۵ به نام مهدی افشارپور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل سند خودروی نیسان ایکس تریل ۲۰۱۵ به رنگ سفید و شماره پلاک ۴۵۹۹۸ و شماره موتور ۱۰۲۱۹۴ و شماره شاسی ۰۰۰۰۸۳ به نام مهدی افشارپور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اپلیکیشن خدماتی

استخدام

دوستم

اپلیکیشن خدماتی کیش غذا، مارکت، خرید، دلپوری و ...

www.Dustam.com

۰۹۹۶۶۷۷۳۴۳۷

استخدام منشی عصر ساکن کیش

یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می‌نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب

اصل سند خودروی نیسان جوک ۲۰۱۵ به رنگ سفید و شماره پلاک ۴۷۵۹۳ و شماره موتور ۱۶۰۲۴۷۰۱ و شماره شاسی ۳۱۱۳۱۰ به نام مهدی افشارپور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل سند خودروی نیسان جوک ۲۰۱۵ به رنگ سفید و شماره پلاک ۳۷۹۲۷ و شماره موتور ۱۹۹۰۶ و شماره شاسی ۳۱۰۳۵۶ به نام مسلم افشارپور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

متقاضی رهن و اجاره یک خوابه در نوبنیاد

شماره تماس: ۰۹۳۶۷۹۶۹۴۴۱

استخدام منشی صبح ساکن کیش

یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت صبح استخدام می‌نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۸ تا ۳/۵

پیرایشگاه

اصل سند خودروی نیسان جوک ۲۰۱۴ به رنگ سفید و شماره پلاک ۳۴۴۸۲ و شماره موتور ۵۲۷۴ و شماره شاسی ۳۰۱۰۲۶ به نام مهدی افشارپور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل سند خودروی نیسان جوک ۲۰۱۵ به رنگ سفید و شماره پلاک ۳۶۲۴۵ و شماره موتور ۱۶۰۲۶۵۰۱ و شماره شاسی ۳۱۱۴۰۷ به نام مهدی افشارپور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مفقودی

پیرایش علیرضا

ارائه جدیدترین متد روز خدمات پوست و مو آقایان

نشانی: جزیره کیش، فاز A، پارک مینا، مجتمع خدماتی پارسیان، غرفه ۱۵

۰۹۱۲۸۶۳۹۱۷۹ - ۰۹۳۴۷۶۸۳۱۷۹

صنایع چوب

حلاج کیش

کلید سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲